

## چرا مردم را از جلیلی می‌ترسانید؟

تاکتیک رقیب‌هراسی یکی از متداول‌ترین تاکتیک‌های انتخاباتی در سرتاسر جهان به شمار می‌آید.

به گزارش سایت خبری پرسون، ستاد مسعود پزشکیان نیز در حالی که برنامه خاص خود برای اداره کشور را ارائه نداده و در شرایطی که وی به کرات از ارائه برنامه حکمرانی خود و برنامه‌هایش در حوزه‌های مختلف طفره رفته است، ستاد وی که در تسلط مسئولان دولت روحانی قرار دارد با تکیه به روشی که وی در سال ۱۳۹۲ به کار برد با رقیب‌هراسی سعی در جذب رای برای خود و ضربه به رقیب وی در دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم دارند.

یکی از ویژگی‌های خاص کارزار انتخاباتی ۱۴۰۳ مسعود پزشکیان، بی‌برنامگی و تکیه بر هیاهو و جنجال‌های رسانه‌ای است. بر این اساس، محور کلی فعالیت‌های کارزار انتخاباتی پزشکیان، تجارت کردن با استفاده از حربه ترساندن مردم از رقیب است.

بی‌برنامگی و عدم تسلط پزشکیان در موضوعات مختلف و عدم تلاش وی برای مراجعه به کارشناسان واقعی محدود به این انتخابات نبوده و مسبوق به سابقه است. در همین راستا، یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره فعالیت‌های روزانه مسعود پزشکیان در دوران نمایندگی وی در مجلس کتاب خوانی و پیاده‌روی وی، در مجلس را مهم‌ترین فعالیت وی در طول روزهای نمایندگی عنوان می‌دارد.

در کنار این تاکنون کوچک‌ترین نظر کارشناسی از پزشکیان درباره طرح‌ها و لوایح تخصصی مشاهده نشده است. این خصلت‌ها، خطری مهم درباره پزشکیان را به ذهن متبادر می‌سازد و این خطر، امکان تسلط افرادی بر وی است که بدترین کارنامه را در طول دوران مسئولیت خود داشته‌اند.

چه کسی در روند تحریم‌ها مؤثر بود

یکی از ادعاهایی که در طی رقابت انتخاباتی اخیر و برای حمله به سعید جلیلی و حتی شهید آیت‌الله رئیسی عنوان می‌شد، معرفی جلیلی به عنوان مسبب تحریم‌ها و شهید آیت‌الله رئیسی به عنوان کسی بود که تحریم‌ها در دوران وی روندی افزایشی داشت. چنین ادعایی که به خصوص از سوی محمد جواد ظریف برای فرار رو به جلو و فرار از پاسخگویی در برابر افتضاحات و کاستی‌های بیشمار برجام عنوان می‌شود، یکی از ناجوانمردانه‌ترین مواضع و فعالیت‌های تبلیغاتی انتخاباتی این دوره به شمار می‌آید.

ظریف با کتمان واقعیت هیچ‌گاه به نقش تیم مذاکره‌کننده دولت اصلاحات که به ریاست روحانی و عاملیت وی در ورود مسئله برنامه هسته‌ای ایران به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که پایه تمام فشارها و تحریم‌ها در موضوع برنامه هسته‌ای ایران بود اشاره نمی‌کند.

وی قطعنامه‌های شورای امنیت را نیز به دروغ تماماً به سعید جلیلی منتسب می‌کند، این درحالی است که عمده قطعنامه‌های شورای امنیت در آن زمان مربوط به دوران قبل از دبیری سعید جلیلی در شورای عالی امنیت ملی است.

شاید ظریف این را هم فراموش کرده است که در دورانی که وی با شاهکار برجام خود را یگانه دانشمند دیپلماسی می‌دانست، هیچ شرکتی در آلمان حاضر به سوخت‌رسانی به هواپیمای وی نشد.

پشت هر ضرری امضای ظریف بود

جواد ظریف که این روزها راه فرار از پاسخگویی را در هیجان و هیاهو می‌بیند، با حمله به سعید جلیلی با بیان اینکه هر چه را نگاه کنیم هر تحریمی امضای آقایان پشتش است، گفت: هر فرصت سوخته‌ای در مذاکرات حضور آقایان پشتش است. هر بیچارگی و مخالفتی، FATF باشد هر قانون بدی از صیانت و طرح نور باشد هر چه باشد این‌ها پشتش بوده‌اند.

باید به وی گفت که آقای ظریف پشت هر ضرری که به کشور در طی بیش از بیست سال مذاکره و چالش با غرب بر سر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای وارد شده شما و رئیس‌تان روحانی قرار دارید.

مردم تعلیق داوطلبانه فعالیت‌های هسته‌ای در زمان اصلاحات و کلاه گشادی که به اذعان روحانی، اروپایی‌ها بر سر وی گذاشتند را فراموش نمی‌کنند، مردم ایران نابودی بخش مهمی از صنعت هسته‌ای به قیمت هیچ در برجام را فراموش نکرده و نمی‌کنند و از یاد نمی‌برند که نتیجه برجام خروج بی‌کیفر آمریکا و از دست رفتن فرصت طلایی توسعه در دهه ۹۰ به قیمت امید واهی دولت روحانی به این توافق ضعیف بود.

ظریف می‌گوید جلیلی تا دیروز سنگ‌اندازی می‌کرد اما اگر رئیس‌جمهور شود، «خود سنگ خواهد بود» سنگ اصلی در راه پیشرفت ایران نه سعید جلیلی و نه شهید سید ابراهیم رئیسی بلکه افرادی بود که خود را یگانه کاربلد مذاکره دانسته و دیگران را به کرات به بی‌سوادی و نابلدی متهم می‌کردند.

این افراد در طی چند دهه سلطه خود در دستگاه دیپلماسی و در حوزه سیاست خارجی، حتی یک دستاورد ملموس و پایداری را نداشته و هربار با تسلیم شدن در برابر غرب و ضررهای هنگفت به منافع ملی، به سرعت از خود سلب مسئولیت می‌کردند. ای‌کاش ظریف و روحانی بگویند که در طی چندین دهه حضور خود در مذاکرات مختلف در حوزه سیاست خارجی، حتی برای یک بار نیز موفق بوده‌اند؟ سنگ توسعه ایران امثال روحانی و ظریف بودند که اکنون نیز سعی بر تسلط بر مسعود پزشکیان دارند.

یکی دیگر از تاکتیک‌های اطرافیان پزشکیان در این روزها سلب مسئولیت از خود در موضوع ناکارآمدی و افتضاح دولت روحانی در موضوع واکسن کرونا است.

در روزهایی که روزانه ۷۰۰ نفر از هموطنانمان در سایه بی‌لیاقتی دولتمردان دولت روحانی جان خود را از دست می‌دادند، سریع‌ترین و دم‌دستی‌ترین پاسخ آنان به سؤال ملت ایران درباره چرایی عدم توانایی آنان برای تامین واکسن، ارتباط دادن آن به FATF است که نمونه آن در سخنان علی ربیعی و عبدالناصر همتی قابل مشاهده بود. آنان به قدری فراموشکار شده‌اند که حتی نامه ظریف در آخرین روز مسئولیتش در وزارت امور خارجه به شهید رئیسی درباره ناتوانی در تامین واکسن را فراموش کرده‌اند. شهید رئیسی و دولت سیزدهم در سریع‌ترین زمان بدون FATF محموله‌های عظیم واکسن را فراهم ساخته و بحران کرونا را در کشور شکست دادند.

یکی از مهم‌ترین اتهام‌زنی‌ها و رقیب هراسی‌های ستاد پزشکیان در روزهای اخیر، متهم کردن سعید جلیلی به تفکر طالبانی است.

این اتهام در شرایطی از سوی مدعیان اصلاحات به سعید جلیلی منتسب می‌شود که قاطبه این افراد افراطی‌ترین برخوردها را در دهه ۶۰ رقم زده و به نوعی استاد طالبان در این حوزه به شمار می‌آیند.

سخنان اخیر آذری جهرمی و دیگر مسئولین جنگ روانی ستاد پزشکیان در حالی عنوان می‌شود که این روش نیز مسبوق به سابقه بود. این تاکتیک نخ نما شده در سال ۸۴ و ۸۸ علیه محمود احمدی‌نژاد، در سال ۹۲ علیه سعید جلیلی و محمد باقر قالیباف و در سال ۹۶ و ۱۴۰۰ علیه شهید رئیسی استفاده شد.

امروز، بیش از هر کس مسعود پزشکیان باید این نکته را دریابد که هیاهو و اتهام‌زنی و رقیب‌هراسی علاوه بر اینکه اقدامی ناجوانمردانه به شمار می‌آید، نفعی را برای وی به همراه نخواهد داشت.

پزشکیان در طی هفته‌های گذشته نشان داده که پتانسیل خوبی برای در اختیار قرار دادن خود به افرادی دارد که تنها وی را به چشم پلی برای منافع جناحی و فردی خود می‌بینند.